



## چرا در ایران زندگی خصوصی وجود ندارد

مهدی خلجی

اینترنت، ۸ سپتامبر ۲۰۰۵



**چکیده:** نویسندگان با بازخوانی تاریخ جمهوری اسلامی ایران به عدم رعایت حریم خصوصی در جامعه ایرانی اشاره کرده و ادعا می‌کنند، این مسأله در بنیان‌های فرهنگی و دینی موجود در جامعه ایرانی ریشه دارد؛ مانند دولت را مسئول رشد فضیلت دانستن، تفسیرهای سختگیرانه از اسلام.

زندگی خصوصی و میزان دخالت حکومت در آن، از آغاز استقرار جمهوری اسلامی، به مسأله‌ای پیچیده بدل شد. به ویژه شهر و ندان جوان ایرانی به دلیل گرایش به الگوهای زندگی غربی بیشتر در معرض مداخله حکومت در زندگی شخصی خود بوده‌اند، ناخرسندی می‌کنند.

### زندگی خصوصی و جمهوری اسلامی:

۱. پیشینه تاریخی؛ پس از پیروزی انقلاب، تعیین مرزهای عقیدتی و یارگیری مرامی و مکتبی، نقشی بنیادینی در صف‌بندی احزاب و نیروهای سیاسی و سپس در استقرار جمهوری اسلامی بازی کرد. رهبران مذهبی کوشیدند تا با معرفی کردن رهبران چپ به عنوان ملحد، راه مبارزه سیاسی خود با آنان را کوتاه کنند و آنان را از پشتیبانی مردم مذهبی محروم نمایند.

۲. حجاب مسأله اول؛ مسأله حجاب حتی از روزهای پیش از پیروزی انقلاب در مطبوعات و محافل گوناگون مطرح شد. بخش عمده‌ای از زنان طبقه متوسط و انقلابی

بازتاب اندیشه ۷۲

۹۶

چرا در ایران  
زندگی خصوصی  
وجود ندارد

امیدوار بودند که در حکومت اسلامی پس از انقلاب، حجاب امری اجباری نشود. بر پایه نوشته روزنامه کیهان در بهمن ماه پنجاه و هفت، آیت الله محمود طالقانی رحمته الله علیه از رهبران مذهبی و انقلابی گفت: در حکومت آینده حجاب نیست. آیت الله خمینی رحمته الله علیه نیز تلویحاً از اجباری نبودن حجاب و تصریحاً از اجباری نبودن پوشش چادر سخن گفت. اما سخت‌گیری‌های غیررسمی درباره حجاب از فردای پیروزی انقلاب آغاز شد.

۳. مجاز بودن مصادره اموال؛ از سوی دیگر، تصفیه نیروهای وابسته به رژیم سلطنتی که «طاغوتی» خوانده می‌شدند، بازداشت، حبس، اعدام، مصادره اموال آنان و حتی بستگان نزدیکشان یکی از وظایف انقلابیون حاکم تعریف شد.

۴. غربالی ایدئولوژیک به نام گزینش؛ همچنین در همه ادارات دولتی و شبه دولتی، نهادی به نام اداره گزینش تشکیل شد که وظیفه اصلی آن، تحقیق درباره اعتقادات دینی و سیاسی متقاضیان استخدام و دادن پرسش‌نامه‌ای دقیق به آنها بود. این پرسش‌نامه‌ها از مرز تفتیش عقاید و تجسس در زندگی خصوصی می‌گذشت.

۵. فرمان هشت ماده‌ای آیت الله خمینی؛ پس از موج عظیم بازداشت و مصادره اموال و نیز اعدام‌ها در کنار گزینش در اداره‌ها و مراکز دولتی و نیمه دولتی که به نوعی هرج و مرج انجامیده بود، شماری از مسئولان کشور از آیت الله خمینی رحمته الله علیه خواستند تا به این روند پایان دهد. بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در واکنش به این گزارش‌ها در بیست و چهارم آذرماه سال ۱۳۶۱ فرمانی مشهور به «فرمان هشت ماده‌ای»، خطاب به قوه قضاییه و همه ارگان‌های اجرایی صادر کرد.

در این فرمان شدید الحن، آیت الله خمینی رحمته الله علیه از جمله نوشت: «هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید... توقیف یا احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است... هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیر منقول... تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید، مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی... هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود، یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید...».

این فرمان آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی رییس دیون عالی کشور و میرحسین موسوی نخست‌وزیر وقت را مسئول جلوگیری از تخلفات و موظف به تشکیل هیأت‌هایی

برای رسیدگی به آنها و بررسی شکایت‌ها کرد.

۶ احتمال «نفوذ شیاطین»؛ در دی ماه همان سال آیت الله خمینی رحمه‌الله در دیدار با اعضای «ستاد مرکزی پیگیری فرمان هشت ماده‌ای امام» تخلف از هشت فرمان خود را تخلف از احکام اسلام اعلام کرد و گفت «در هر صورت مسأله، مهم است و مسأله، مسأله آبروی اسلام است».

از سوی دیگر، در نیمه دی ماه همان سال، آیت الله خمینی رحمه‌الله در فرمان تازه، تمام هیأت‌هایی را که به نام‌گزینش در سراسر کشور تشکیل شده‌اند، منحل اعلام کرد؛ «چه در قوای مسلح یا در وزارت خانه‌ها و ادارات و چه در مراکز آموزش و پرورش تا برسد به دانشگاه‌ها».

۷. تعلیمات مبتذل و جاهلانه؛ آیت الله خمینی رحمه‌الله در این فرمان که از لحنی تند و تیز برخوردار بود نوشت: «تجسس از احوال اشخاص - در غیر مفسدین و گروه‌های خرابکار - ممنوع است و سؤال از افراد به این که چند معصیت نمودی... مخالف اسلام و تجسس‌کننده معصیت کار است». وی افزود «بعضی از کلاس‌های درسی که در ارتش و سپاه و سایر مراکز نظامی و انتظامی تأسیس شده بسیار مستهجن و مبتذل است».

این فرمان، «ستاد پیگیری تخلفات قضایی و اداری» را موظف می‌کرد کتاب‌هایی را «به صورتی معقول و اسلامی» تهیه کند و در اختیار وزارت خانه‌ها و دیگر مراکز قرار دهد و «از تعلیمات جاهلانه و احياناً ضد انقلابی جلوگیری نماید».

۸. تداوم دخالت در زندگی شخصی؛ این دو فرمان، هیچ یک تغییراتی عمده در روند مداخله حکومت در زندگی خصوصی افراد پدید نیاورد. تشکیلاتی که از مصادره اموال تغذیه می‌کردند چنان فربه و عظیم شده بودند که، از میان بردن آنها آسان نبود. بنیاد مستضعفان که بعدها بنیاد مستضعفان و جانبازان نام گرفت، بر این تصور تأسیس شد که اموال «مستکبران» را که همه «نامشروع» است می‌گیرد و به «مستضعفان» می‌بخشد. این بنیاد خود به مؤسسه کلان اقتصادی بدل شد، که در پاره‌ای امور با دولت رقابت می‌کرد. از سوی دیگر ستاد پیگیری فرمان هشت ماده‌ای، خود به سرعت به نهادی اقتصادی بدل شد و از آیت الله خمینی رحمه‌الله مجوز مصادره اموال گرفت. این ستاد که هم‌اکنون نیز زیر نظر آیت الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی فعالیت می‌کند، از مراکز مهمی است که اختیار دارد اموال افرادی را که «مخالف با اسلام و انقلاب» تشخیص می‌دهد، به ویژه اموال شهروندان ایرانی مقیم

بازتاب اندیشه ۷۲

۹۸

چرا در ایران  
زندگی خصوصی  
وجود ندارد

کشورهای خارجی، مصادره کند.

از سوی دیگر، ادارات گزینش که به فرمان آیت الله خمینی<sup>ره</sup> منحل شده بودند، با اصرار شماری از نزدیکانش دوباره به کار افتادند و تا امروز نیز فعال هستند. در کنار اداره‌های گزینش، اداره‌های حراست هستند که به واقع، نماینده وزارت اطلاعات در هر وزارت خانه یا مرکز دولتی به شمار می‌روند.

با استقرار جمهوری اسلامی و حکومت روحانیون و برای تحقق ایده حکومت دینی و اسلامی فقهاتی، مسئولان کشور تصمیم گرفتند قوانین کشور را با احکام شرعی منطبق کنند و در این راه، محدود کردن آزادی فردی را مجاز دانستند. حجاب از نمونه‌های آشکاری بود که جمهوری اسلامی اجباری کردن آن را موجه دانست و می‌داند؛ در حالی که بسیاری از فقیهان در جهان اسلام حجاب را مانند دیگر تکلیف‌های دینی اختیاری می‌دانند و اجبار به آن را مخالف فلسفه تشریع می‌شمرند.

۹. پاسداری از جداسازی زن و مرد؛ حجاب در کنار جداسازی زن و مرد در مکان‌های عمومی، یکی از اصولی‌ترین چالش‌های قوه قهریه جمهوری اسلامی، به ویژه نیروی انتظامی، با جوانان است.

۱۰. زندگی خصوصی، حق و قانون در جمهوری اسلامی؛ در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله در اصل‌های بیست و دوم، بیست و سوم و بیست و پنجم تصریح شده: تفتیش عقاید و تجسس ممنوع است و حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است. با این همه، تجربه ربع قرن گذشته نشان داده، اصولی از این دست نمی‌تواند آزادی فردی و حرمت قلمرو خصوصی را تضمین کند.

۱۱. دولت مسئول رشد فضیلت؛ انگاره‌های بنیادی قانون اساسی معطوف به فرض امکان رهبری عادل است که برای تربیت و هدایت یکایک افراد جامعه و وظیفه‌ای الهی دارد. این انگاره‌ها، از نظر حقوق دانان، به آسانی می‌تواند در مسیر نقض حرمت قلمرو خصوصی و آزادی فردی به کار گرفته شود. به گفته حقوق دانان، گذشته از قانون اساسی، بخش عمده‌ای از قوانین عادی جمهوری اسلامی نیز بر فلسفه حق بنا نشده است.

۱۲. تفسیرهای سخت‌گیرانه از اسلام؛ علاوه بر آن، مفاهیم مبهمی که در قانون‌های عادی به کار رفته و نیز ارجاعاتی که به قوانین اسلام داده شده، دست مجری قانون را برای دخالت در زندگی شخصی باز می‌گذارد. از آنجا که اسلام تفسیری واحد ندارد، این خطر همواره

وجود دارد که مجریان قانون از تفسیرهای سخت‌گیرانه اسلام برای محدود کردن آزادی فردی بهره بگیرند. از سوی دیگر، در جمهوری اسلامی، قوه قهریه (یعنی نهادهای انتظامی و قضایی) به گونه‌ای طراحی نشده که وظیفه اصلی آن پاسداری از آزادی فردی باشد. به ویژه بسیج در مقام ضابط قضایی و مأمور اجرای امر به معروف و نهی از منکر، در چارچوب قانون، اختیارات فراوانی برای نقض حقوق و آزادی‌های فردی دارد.

۱۳. قلمرو خصوصی، مفهومی مدرن؛ جدایی قلمرو خصوصی از عمومی، دستاورد مهم اندیشه و نظام لیبرال و دموکراتیک است که بر پایه‌های مشخصی در فلسفه سیاست می‌ایستد.

۱۴. منطق سیاست و منطق دین؛ در دوران تجدد، دانش سیاست از اخلاق و دین استقلال یافت و قوانین آن تابع منطق درونی مناسبات قدرت شد. بریدن علم سیاست از الاهیات، جلوه مهم سکولاریسم در دوران مدرن است. استقلال سیاست و از پی آن علوم اجتماعی و انسانی از الاهیات، در عمل دین را به قلمرو خصوصی راند.

۱۵. نفی قلمرو خصوصی میراث کمونیسم؛ افزون بر این، حکومت‌های فاشیستی و کمونیستی در قرن بیستم به جدایی امر خصوصی از امر عمومی باور نداشتند و درباره جزئیات زندگی شخصی شهروندان قانون می‌گذراندند و برای نظارت بر اجرای قانون مأمور می‌گماردند.

۱۶. چرا زندگی خصوصی سیاسی تلقی می‌شود؟؛ زندگی خصوصی، یک امر سیاسی است. فردیت هر شهروند، بهترین جلوه خود را در زندگی خصوصی می‌یابد. پیامد این فردیت، پس زدن انقیاد و اطاعت از سلطه‌های مطلقه است. قدرت‌های مطلقه چه در شکل دینی و چه در اشکال غیردینی (فاشیسم یا کمونیسم) خواهان مطیع کردن محض شهروند و هم‌سان کردن آنها از نظر فکری و عملی هستند. وضع قوانین برای زندگی شخصی و نظارت بر اجرای آن، سلب فردیت شهروند و هموار کردن راه انقیاد وی را ممکن می‌کند.

۱۷. دولتی که همه جا هست؛ به این ترتیب، زندگی خصوصی یک قلمرو کاملاً سیاسی است که دست بردن یا دست نبردن در آن به ماهیت نظام سیاسی بستگی دارد. آزادی فردی، در سایه حکومت‌های غیردموکراتیک می‌تواند معنای شورش و مخالفت سیاسی به خود بگیرد. آزادی فردی در چنین حکومت‌هایی مستلزم نقض قانون است؛ زیرا قدرت دولت آن قدر وسعت و دامنه قانون آن به اندازه‌ای گسترده است که، شهروندان ناگزیر به نقض قانون

و ایجاد فرهنگ و میدان عمل زیرزمینی می‌شوند. درست است که مسأله اصلی سیاست، جدال میان حوزه خصوصی و قلمرو عمومی، آزادی فردی و مصالح عمومی است؛ اما در نظام‌های لیبرال دموکراسی، راه‌های آسان‌تری برای حل این جدال به سود آزادی فردی وجود دارد.

در این‌گونه نظام‌ها، مصلحت عمومی، مفهومی بنیادی و به واقع، مصلحت عموم شهروندان و کشور است نه مصلحت شخص خاص یا حاکم. از دیگر سو، خطوط قرمزی برای تصرف دل‌خواهانه دولت در حیطه شخصی افراد هست که مصونیت و آزادی نسبی شهروندان را در حوزه شخصی تضمین می‌کند. همچنین، کوچک بودن دولت، اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد و خصوصی بودن بازرگانی، توانایی دولت را برای دست‌درازی در زندگی خصوصی افراد کوتاه می‌کند.

## ● اشاره

محور اصلی در این نوشتار بررسی مسأله زندگی خصوصی در ایران اسلامی است. نویسنده کوشیده است تا با بررسی وضعیت مردم در آغاز و استمرار جمهوری اسلامی ایران، ناسازگاری حضور اجتماعی اسلام با حریم فردی را نتیجه‌گیری کند. تأمل در شواهد نویسنده اشتباهات وی را نشان می‌دهد. اینک به مواردی اشاره می‌شود:

۱. رویکرد پراگماتیسمی نویسنده محترم در اثبات آنچه ادعا کرده، لحاظ معرفت‌شناسی ناکام درست نیست؛ زیرا در بررسی سازگاری اسلام و حریم خصوصی نمی‌توان به بررسی مسلمانان با حریم خصوصی استشهد نمود، مگر هنگامی که اثبات شود آنچه در جامعه اسلامی اتفاق افتاده همگی بر اساس آموزه‌های اسلامی بوده است. ۲. صرف‌نظر از نادرستی رویکرد پراگماتیسمی باید گفت: حتی بر اساس آنچه در این نوشتار آمده است جامعه اسلامی ایران، روندی رو به رشد در جهت تحکیم و رعایت حریم خصوصی داشته است و همانگونه که نویسنده اشاره کرده‌اند؛ امام علیه السلام بارها مسئولان را در جهت حفظ حریم خصوصی مردم راهنمایی کرده‌اند و بر عملکرد آنها به قدرت نظارت نموده‌اند.

۳. متأسفانه نویسنده محترم بدون تبیین معنا و مفهوم حوزه خصوصی و عمومی در جامعه به مسأله وضعیت زندگی خصوصی در ایران پرداخته‌اند. با این‌که اهل نظر آگاهند که در تعیین معنا و مصداق خصوصی و عمومی حتی در میان متفکران غیرایرانی دیدگاه یکسانی وجود ندارد. برای نمونه چرا باید حجاب را جزو حریم خصوصی به شمار آورد، درحالی‌که می‌توان ادعا کرد مسأله حجاب از آن‌رو مورد توجه حکومت اسلامی است که

در حوزه عمومی ظاهر می‌شود و حریم عمومی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و آفات بی‌حجابی یا بدحجابی به عموم جامعه آسیب می‌رساند.

۴. وارد ساختن رویکردهای هرمنوتیکی در این مسأله به نظر می‌رسد کارساز نمی‌باشد؛ زیرا در جای خود ناصوابی و اشکالات متعدد، تعدد قرائت‌ها مطرح شده است و باید توجه داشت هر چند وجود اختلاف در برخی موارد قابل انکار نیست، ولی آموزه‌های مورد اتفاق و نصوص و قطعیات موجود در اسلام بر آگاهان و اسلام‌شناسان پوشیده نیست.

۵. نویسنده بریدن دین از حوزه اجتماعی و سکولاریسم را راه حل رعایت حریم خصوصی معرفی می‌کند، در حالی که بلحاظ منطقی میان حضور اجتماعی دین و حفظ حریم خصوصی افراد ناسازگاری دیده نمی‌شود. (چنان‌که نویسنده در متن دین نتوانسته است چنین ناسازگاری‌ای را ثابت کند) بلکه بر اساس رویکرد پراگماتیسمی نویسنده محترم باید گفت: متأسفانه جوامع سکولار در طول تاریخ و خصوصاً در جهان معاصر بیشترین آسیب را در حریم خصوصی دیده‌اند؛ مانند: شنود مکالمات در کشورهای صنعتی همچون آمریکا و برخورد با حجاب در کشورهایمانند فرانسه و آلمان!

۶. برخلاف تصور نویسنده، انکاره مسئولیت‌داری حکومت نسبت به هدایت جامعه، مایه نقض حرمت قلمرو خصوصی و آزادی فردی نیست؛ زیرا این مسئولیت در حریم عمومی افراد الزام می‌یابد و چنان‌که گذشت اشتباه اساسی در این نوشته آن است که: معنای حریم خصوصی و حریم عمومی و مصادیق آن دو به خوبی روشن و تفکیک نشده و مقابله با تجاوزگری به اموال مردم توسط عمال رژیم گذشته مصداق نقض حریم خصوصی ذکر شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی